



علمای حدیث، اجازه را یکی از مهمترین طُرُق حمل حدیث دانسته اند و به عنوان پشتوانهٔ صحت و درستی نقل احادیث، به اخذ و مبادلهٔ آن، همت گماشته اند. یکی از سنتهای حسنهٔ مرسوم بین علما، اعطای اجازهٔ نقل حدیث به شاگردان بوده است. علامه تهرانی در «الذریعة» می نویسد: طاعات فرنگی

حسین خوانساری

الإجازة هو الكلام الصادر عن المجيز المشتمل على انشائه الإذن في رواية الحديث عنه، بعد إخباره إجمالاً بمرويته، و يطلق شايعاً في كتابة هذا الإذن المشتملة على ذكر الكتب و المصنفات التي صدرَ الإذن في روايتها عن المجيز إجمالاً أو تفصيلاً، و على ذكر المشايخ الذين صدر للمجيز الإذن في الرواية عنهم و كذلك ذكر مشايخ كل واحد من هؤلاء المشايخ طبقةً بعد طبقة، إلى أن تنتهي الاسانيد إلى المعصومين (ع).^۱

اجازات حدیث، گاهی مختصر بوده و گاهی در حد رساله و کتابی سودمند و مملو از

۱. الذریعة، ج ۱، ص ۱۳۱.



مطالب رجالی و اخلاقی است. عده‌ای از علما، در باب اجازات تألیفات مستقلی داشته‌اند.

علامه تهرانی، در این باره می‌نویسد:

اعلم أنّ كثيراً من العلماء الاعلام، أولهم - علي ما أعلم - السيد الاجلّ رضي الدين، علي بن طاووس (م ۶۶۴ق) و الشيخ الشهيد (م ۷۸۶ق)، ثمّ الشهيد الثاني، ثمّ جمع من العلماء المتأخرين، قد أفرّد كلّ واحد منهم في الإجازات تأليفاً مستقلاً جمعوا فيه ما اطلعوا عليه منها ... وقد جعل السيد الاجلّ، رضي الدين علي بن طاووس - رضي الله عنه - عنوان كتابه المؤلّف في هذا الباب: «كتاب الإجازات لكشف طرق المفايزات فيما يحصى من الإجازات».^۲

ایشان، آنگاه به معرفی دهها کتاب در این باب می‌پردازد و سپس صدها اجازه از اجازات علمای اعلام را یاد می‌کند.

از جمله کتبی که مستقلاً به ذکر اجازات اختصاص یافته: «لؤلؤة البحرين»، «الروضة البهيّة»، «بغية الوعاة»، «اللمعة المهدية»، «اجازات بحار الانوار» و «الإجازة الكبيرة» است. اجازات را با ملاحظه جهات گوناگون، به انواع مختلف می‌توان تقسیم کرد که اجازه «مُعَنَنه» از آن جمله است.

شعبه‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

اجازه 'مُعَنَنه

اجازه‌ای که آقا حسین خوانساری به امیر ذوالفقار داده است و امثال آن را «اجازه عُنعنه» یا «اجازه مُعَنَنه» گویند. در وجه تسمیه آن، باید گفت که در این گونه اجازات، در میان مُجیز - که شیخ باشد - و تلمیذ، کلمه «عن» واسطه است؛ زیرا شاگرد در وقتی که می‌خواهد حدیثی را از مشایخ خود روایت کند و سند آن را به معصوم (ع) برساند، چنین می‌گوید: «أخبرني فلان عن فلان عن فلان»، تا به معصوم (ع) منتهی شود یا می‌گوید: «فقد رویت



هذا الخبر عن فلان عن فلان» تا به معصوم (ع) برسد .

ثمره این اجازه، این است که علاقه شیخوخیت میان مجیز و مجازله، متحقق می شود و مجاز از مجیز به «شیخنا» تعبیر می کند.

فایده مهم دیگر، این است که مجازله، در سلسله سند اخبار ائمه اطهار (ع) داخل می شود.

در این نوشتار، اجازات دو تن از علمای برجسته خوانسار (آقا حسین و آقا جمال) را در دو بخش بررسی می نمایم.

بخش اول: آقا حسین خوانساری

مشایخ اجازه آقا حسین خوانساری

آقا حسین بن جمال الدین محمد خوانساری (۱۰۱۶-۱۰۹۹ق)، از حکمای معروف و فقهای مشهور قرن یازدهم هجری است. مراتب فضل و دانش آن عالم جلیل و حکیم بزرگ، در کتابهای تراجم آمده است. وی حدیث و فقه را از ملا محمد تقی مجلسی (۱۰۰۳-۱۰۷۰ق) آموخت و در ربیع الثانی سال ۱۰۶۲ق، از او اجازه گرفت و در این اجازه، مورد ستایش فراوان استاد خود، واقع شد. خوانساری، در اجازه ای که به امیر ذوالفقار داده، از ملا محمد تقی مجلسی به عنوان شیخ اجازه خود یاد می کند و از او تجلیل می نماید.

وی فلسفه و حکمت را نزد میرابوالقاسم، معروف به میرفندرسکی (م ۱۰۵۰ق) و ملاحیدر بن محمد خوانساری فراگرفت و مدتی نیز از محضر ملا محمد باقر سبزواری (م ۱۰۹۰ق) استفاده نمود^۳ و از او اجازه گرفت^۴.

علامه تهرانی، درباره اجازه ملا محمد تقی مجلسی به محقق خوانساری، آورده است:
إجازته للمحقق الخوانساري، كبرى مبسوطة، أولها: «الحمد لله الذي جعل

۳. روضات الجنات (چاپ سنگی)، ص ۱۹۵.

۴. قصص العلماء، ص ۲۶۵.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 المحمدي الذي جعل الرواية دركاً لمبين أحكامه ووصلاً لسبله على
 درجات جازية وزوايا هدى إلى الشيخ هداة صراطه والصلين
 على سيد المرسلين خير البرية المحققين بجزء ألف قدس من نور
 وبعد فبقولهم عن غيرهم الغني بجزء من محاسن الإصهار
 إن دوط بن العقل الفاضل على أن أشرف المآرب والنجى المطالب
 هو العلم الذي يفضله على سائر السموات ويستحق بها أعلى الدرجات
 وتوسل إلى رفوفها في الأرضين السموات وما هو إلا العلم بما
 أمته الجيد الماخوذ عن سيد الأنبياء وعزة الأصفياء كما هو بين ما
 حديثه الفطير وغيره بل جميع أخبارهم بيان المراد من الكتاب النبوي
 ولذا كان السلف يفتخرون به في غيرهم إدارعاية الإخبار بالعلم العلية
 والنظر الصافي وإمامهم الهدى بسلامة عليهم قوة بالخط اليد
 والفرق بين ما يقبلونه ويرزقونه وأخيراً نعم والأيام والأوقار والباين
 عمل كل جوده الرعية ثم درست هدايتهم في كل وقت من الأبد وجبت
 معالم التمييز البضاء المصطفوية بوزالت آثار الطريقة العرفان الماضية

مشراطه فتقدونا بالإسناد والألف إلى أمير المؤمنين دام العارفون
 بزوايا السلام ارتعنا إلى صلواته على آله فالكان من صفاته عظاماً
 فخرج صفاته سبقت من طهارة جلاله إلى القوم الذي جونا به جلاله القبول
 راسمة باج من من بعض أهل جميع العوصات وعلى غير ما يعرف من أولئك
 سنها الدنيا بما يذوقها وما ينادي سعاد هذا عالم من بعض مؤلفي علم الأجر
 الآخر من أفرجه من طهارة في الدنيا فلفتت به في غير من بعض مؤلفي علم الأجر
 التي تارة الجمان أخرج كل من كان علم في الدنيا غير الأجر عن غير من بعض مؤلفي علم الأجر
 أديح لرمع شبهة الخيرة فلفت من الأجر الأجر عن كل واحد من الأجر
 صلوات الله عليهم أجمعين والتمت سنة دامت ظلان لا يباليان
 أجمية الدعوات كما أن الألف منه من بهاء الدرر أضحى الراجح
 الرعية بجزء من الغني بجزء من محاسن الإصهار في السنة التي
 بعد الحج القدر والتمت رب العالمين والصلوة على منزلت
 الأنبياء والمرسلين وسيدنا ولين الأخرين
 محمد وعترته الإصفياء والنجى الطيبين
 الطاهر المعصومين
 ورسلهم وآلهم
 السلام

الرواية دركاً لمبين أحكامه، تاريخها ربيع الثاني سنة ١٠٦٢ ذكر في أواخرها:
 «أن أعلى أسانيد روايته عن الشيخ البهائي، عن الشيخ عبدالعالي، عن والده
 المحقق الكركي، عن شمس الدين محمد بن داود، عن الشيخ ضياء الدين
 علي، عن والده الشهيد، عن رضي الدين المزيدي، عن الشيخ محمد بن
 صالح، عن السيد فخار، عن شادان بن جبرئيل، عن جعفر الدورستي، عن
 الشيخ المفيد، عن الشيخ أبي جعفر بن بابويه الصدوق - رضي الله عنهم»^٥
 در بخشی از این اجازه مفصل، استاد در وصف شاگرد خویش چنین گفته است:

ثم إنني لما تشرقت برهة من الزمان بصحبة العالم الفاضل العامل الكامل، ذي
 النفس الطاهرة الزكية والهمة الباهرة العلية والأخلاق الزاهرة الملكية، جامع
 المعقول والمنقول، حاوي الفروع والأصول، المترقي من حضيض التقليد إلى
 أوج اليقين، حلال المشكلات براه الصائب، كشاف العضلات بنظره
 الثاقب، مستجمع الكمالات والمناقب، العلامة الفهامة اللوذعي الألمي، آقا
 حسين بن الفاضل الكامل التقى النقي، جمال الدين محمد الخوانساري،
 أسعد الله تعالى جدّه ووقفه تعالى للعروج إلى أعلى معارج اليقين وسلوك

جمال الدين محمد
 الخوانساري

٥. الذريعة إلى تصانيف الشيعة، ج ١، ص ١٦٢، ش ٨٠٩.



مسالك المتقين واتباع آثار الائمة الطاهرين - صلوات الله عليهم اجمعين - و
قرأ على هذا الضعيف، جمّاً غفيراً من الفقه والحديث والرجال، على أكمل
التحقيق والتدقيق، والتمس مني أن اجيز له رواية ما جاز لي روايته.

نسخه ای از این اجازه، به خط مجیز در ۲۲ صفحه، در کتابخانه صاحب «روضات
الجنات» بوده و هم اکنون در دست بازماندگان اوست.

شاگردان و اجازه گیرندگان از آقا حسین خوانساری

وی شاگردان فراوانی داشته که علوم مختلف اسلامی همچون حدیث، فقه، اصول
فقه و علوم عقلی را از او فرا گرفته و جمعی از آنها موفق به دریافت اجازه نقل روایت از او
شده اند. نام بیش از سی تن از دانشمندانی که شاگردی وی را نموده اند یا از او اجازه
داشته اند، چنین است:

ملاً علیرضا تجلی شیرازی (م ۱۰۸۵ ق)، ملاً میرزا محمد مدقق شیروانی (م ۱۰۹۹ ق)،
آخوند مسیحای کاشانی، فخرالدین مشهدی، میرزا عبدالله افندی (م ۱۱۳۰ ق)، ملاً یوسف
قزوینی، محمد شفیع خراسانی (مشهور به خیال)، ملاً حسن جیلانی.

در تعلیقه افندی بر «أمل الآمل»، علامه محمد باقر مجلسی، از شاگردان آقا حسین
خوانساری معرفی شده است.

همچنین سلطان العلماء، سید حسین خلیفه سلطان (م ۱۰۶۴ ق) در «طبقات اعلام
الشیعة» (قرن ۱۱، ص ۶۹)، جزو شاگردان آقا حسین شمرده شده و محتمل است که محمد
مؤمن بن قاسم جزایری (۱۰۷۴-۱۱۳۰ ق) نیز شاگرد محقق خوانساری بوده باشد.^۶

۶. روضات الجنات (چاپ سنگی)، ص ۱۹۵؛ ریاض العلماء، ج ۲، ص ۵۷ و ۲۶۲؛ ترمیم أمل الآمل،
عبدالنبی قزوینی، ص ۱۰۳ و ۱۸۱ و ۱۸۲؛ تاریخ و سفرنامه حوزین، ص ۱۶۰. همچنین در فهرست
نسخه های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (ج ۱۲، ص ۲۷۸۹، ش ۳۸۰۸) و فهرست نسخ
خطی مجلس (ج ۶، ص ۹۹، ش ۲۱۲۱) و فهرست نسخه های خطی مدرسه آخوند همدان (ص ۴۹،
ش ۱۲۵۹)، کتاب «منهج السالکین» معرفی شده که مؤلف آن، از شاگردان آقا حسین خوانساری
است. مشخصات مؤلف کتاب، در فهرستهای مذکور نیامده است.

ابن خوانساری



میر محمد صالح بن امیر عبدالواسع خاتون آبادی (۱۰۵۸-۱۲۶۱ق) که داماد علامه مجلسی بوده، مدت بیست سال در محضر محقق خوانساری تلمذ نموده است. وی در «حدائق المقربین» می نویسد:

آقا حسین خوانساری - قدس الله روحه - که استاد فضلاى عصر خود بود ...

و این حقیر، قریب به مدت بیست سال در خدمت او تلمذ نمودم.^۷

و در «روضات الجنات» در این باره آمده است:

قد قرأ عنده الحاشية القديمة و شرح الاشارات و الشفاء و شرح مختصر

الاصول و شرح اللمعة مدة عشرين سنة.^۸

میر عبدالحسین خاتون آبادی (م ۱۱۰۵ق)، در کتاب «وقایع الايام و السنین و الاعوام»، تصریح نموده که فقه و حدیث را در محضر آقا حسین خوانساری فراگرفته است.

ظهیر الدین بن ملا مراد تفرشی (م ۱۲۰ق) نیز ضمن حاشیه ای که بر حاشیه شیخ بهایی بر «انوار التنزیل» بیضاوی نگاشته، یادی از استادش آقا حسین خوانساری نموده و او را ستوده است. نسخه ای از این حاشیه، در نشریه «نسخه های خطی» (دفتر سوم، صفحه ۴۰۷) معرفی شده و شرح حال ظهیر الدین تفرشی در «طبقات اعلام الشيعة» (قرن ۱۲، ص ۴۰۴) و «تذکره نصر آبادی» (ص ۱۷۰) و «تذکره حزین» و «وقایع الايام و السنین و الاعوام» آمده است.

نصیر الدین محمد رضوی، در مجموعه ای خطی که بین سالهای ۱۰۶۴ تا ۱۰۶۹ق، آن را نگاشته، آقا حسین خوانساری را از اساتید خود معرفی کرده است. این مجموعه خطی، در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، موجود است.^۹

اما دانشمندانی که از آقا حسین خوانساری اجازه دریافت کرده اند، از این قرارند:

۱- فرزندش، آقا جمال الدین محمد خوانساری.^{۱۰}

۷. حدائق المقربین، میر محمد صالح خاتون آبادی (نسخه خطی).

۸. روضات الجنات (چاپ سنگی)، ص ۱۹۵.

۹. فرهنگ ایران زمین، ش ۱۳، ص ۸۴.

۱۰. روضات الجنات (چاپ سنگی)، ص ۱۵۶.





این اجازه، از رساله «فی احوال الفاضل الخوانساری» (تالیف ابوالمعالی کلباسی) نقل خواهد شد.

۲- فرزند دیگرش، آقارضی الدین محمد خوانساری. ۱۱

۳- ابوالحسن شریف عاملی (م ۱۱۳۹ق). ۱۲

۴- سید نعمت الله جزایری (م ۱۱۱۲ق). ۱۳

۵- شیخ محمد بن عبدالفتاح سراب تنکابنی (م ۱۱۲۴ق). ۱۴

۶- لطف الله شیرازی. او از شاگردان فیض کاشانی و محقق خوانساری بوده و در

ذی الحجة سال ۱۰۹۷ق، اجازه مختصری از استادش - خوانساری - دریافت کرده است.

آغاز اجازه چنین است: «الحمد لله الذي لا يبلغ حريم كنه...». ۱۵

۷- امیر ذوالفقار همدانی. ۱۶ او از شاگردان برجسته محقق خوانساری است که اجازه

مفصل استاد به وی، در «بحار الانوار» علامه مجلسی آمده است ۱۷ و ما این اجازه را به نقل

از آن، در ادامه این مقاله می آوریم.

۸- ملا محمد قاسم بن خواجه محمد بن شمس الدین فومنی گیلانی. در ضمن

نسخه ای از کتاب «من لايحضره الفقيه»، ۱۸ محقق خوانساری به خط خود، اجازه

۱۱. همان جا.

۱۲. همان (چاپ جدید)، ج ۷، ص ۱۴۳؛ مجله «تراثنا»، ش ۵۲، ص ۷۱.

۱۳. طبقات اعلام الشيعة (قرن ۱۲)، ص ۷۸۶؛ روضات الجنات (چاپ سنگی)، ص ۱۹۵؛ نابغه فقه و حدیث، سید محمد جزایری، ص ۱۷۹.

۱۴. روضات الجنات (چاپ سنگی)، ص ۱۹۵؛ سفينة النجاة، سراب تنکابنی، تصحیح مهدی رجایی (مقدمه مصحح).

۱۵. طبقات اعلام الشيعة (قرن ۱۲)، ص ۶۲۶؛ الذريعة، ج ۱، ص ۱۸۸، ش ۹۷۵.

۱۶. طبقات اعلام الشيعة (قرن ۱۱)، ص ۲۱۲.

۱۷. بحار الانوار (چاپ بیروت)، ج ۱۰۷، ص ۸۵-۹۱.

۱۸. این نسخه، به خط محمد قاسم جیلی است و اصل نسخه و عکس آن، در مؤسسه احیاء التراث

الاسلامی قم، موجود است. در این نسخه، اجازه دیگری به همین مجاز از عبدالله بن حسنعلی بن

عبدالله شوشتری به چشم می خورد.



مختصری برای ملا محمد قاسم جیلی نگاشته است. این اجازه را در ضمن مقاله با استفاده از نسخه ای عکسی، تقدیم می داریم.

۹- خواجه محمد. وی بخشی از کتاب «تهذیب الأحکام» را در نزد خوانساری قرائت کرده است. در ضمن نسخه ای از «تهذیب الأحکام»، آقا حسین خوانساری به خط خود اجازه ای برای او به تاریخ شعبان ۱۰۶۴ق، نوشته است. علامه تهرانی، این نسخه را رؤیت نموده و متن اجازه را در «طبقات اعلام الشيعة» نقل کرده است. این اجازه، به نقل از «طبقات» در ادامه خواهد آمد.^{۱۹}

۱۰- سید محمد باقر بن سید علیرضا حسینی عاملی (م ۱۲۳ق). وی کتابهای حدیثی و از جمله «صحیفه سجّادیه» را در نزد محقق خوانساری خواننده و استاد، اجازه روایت «صحیفه» را به تاریخ ۱۰۸۸ق، برای او صادر نموده است. این اجازه، به خط خوانساری است و عکسی از آن در میان نسخه های عکسی شیخ اجازه ما، محقق فقید، مرحوم سید عبدالعزیز طباطبایی، موجود است.^{۲۰} این اجازه نیز با استفاده از نسخه عکسی مذکور، در ادامه خواهد آمد. نسخه ای دیگر از این اجازه، به شماره ۸۳۳۳ در کتابخانه آیه الله مرعشی موجود است.

۱۱- میرزا محسن. وی بخشی از مباحث علوم عقلی را در نزد حکیم خوانساری آموخته و در پایان، استاد با بیانی شیوا و قلمی ادیبانه بر تلمذ میرزا محسن در نزد خود گواهی داده است. نسخه ای از این نوشته در میان نسخ خطی کتابخانه انجمن آثار ملی هست و عکسی از روی آن نسخه در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، موجود است.^{۲۱} این اجازه، به خط خوانساری است و ما با استفاده از عکس موجود در کتابخانه دانشگاه تهران،



۱۹. طبقات اعلام الشيعة (قرن ۱۱)، ص ۵۱۵؛ الذریعة، ج ۱، ص ۱۸۸، ش ۹۷۳.
۲۰. المحقق الطباطبائي في ذكره السنوية الاولى، ج ۳، ص ۱۴۵۹ (شرح حال مُجاز، در مکارم الآثار، ج ۵، ش ۱۱۳۴ آمده است).
۲۱. نشریه نسخه های خطی، دفتر هفتم، ص ۴؛ فهرست میکرو فیلم های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۲، ص ۱۹۰ فیلم ش ۳/۳۵۷۶.



آن را خواهیم آورد.

۱۲- شیخ محمد بن حسن حرّ عاملی (م ۱۱۰۴ق). عالم ممتاز شیعی، صاحب

«وسائل الشیعة» که از محقق خوانساری اجازه داشته و خود در «أمل الآمل» می نویسد:

المولى الاجل الحسين بن جمال الدين محمد الخوانساري، فاضل عالم

حکیم ... من المعاصرين - اطال الله بقاءه - نروي عنه اجازة. ۲۲

نسخه ای از این اجازه که به تاریخ ۱۰۹۱ق، صادر شده، در کتابخانه مدرسه فیضیه

قم، موجود است. ۲۳

۱۳- علی اصغر مشهدی. ۲۴ وی از شاگردان علامه مجلسی و محقق خوانساری بوده

و از این دو عالم بزرگ، اجازه روایت داشته است و عبدالنبی قزوینی، صاحب «تتمیم أمل

الآمل»، از شاگردان اوست که در کتاب خود، داستان جالبی درباره تکریم محقق

خوانساری از مشهدی آورده است. ۲۵

۱۴- شیخ جعفر قاضی (م ۱۱۱۵ق). او از شاگردان برجسته آقا حسین و داماد وی

است که از او اجازه روایت داشته است. ۲۶

۱۵- کمال الدین محمد بن معین الدین محمد فسوی فارسی، معروف به میرزا کمالاتی

اصفهانی. وی از شاگردان آقا حسین و آقا جمال خوانساری بوده و از این دو روایت می کند. ۲۷

۱۶- رفیع الدین محمد بن حکیم یزدی. در «تراجم الرجال» (ج ۱، ص ۵۰۳) آمده که

وی «زبدة الاصول» شیخ بهایی را در ماه شعبان ۱۰۴۷ق، نوشته و آن را در نزد محقق

خوانساری قرائت کرده است. قرائت او در محرم ۱۰۴۸ق، به پایان رسیده است.

نکته آخر اینکه، اجازه ای از آقا حسین خوانساری در نسخه خطی شماره ۴۳۸۷/۷

۲۲. أمل الآمل، ج ۲، ص ۱۰۱.

۲۳. فهرست نسخه های خطی مدرسه فیضیه قم، رضا استادی، ج ۲، ص ۱۴۸، ش ۱۹۱۰/۳.

۲۴. طبقات اعلام الشیعة (قرن ۱۲)، ص ۴۹۳؛ تلامذة العلامة المجلسی، سید احمد حسینی، ص ۴۵.

۲۵. تتمیم أمل الآمل، ص ۱۸۲-۱۸۳.

۲۶. طبقات اعلام الشیعة (قرن ۱۲)، ص ۱۳۹-۱۴۰.

۲۷. همان، ص ۶۱۸.



کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است^{۲۸} و نام مُجاز در فهرست نیامده است. تقریظی نیز از آقا حسین خوانساری بر کتاب «مفتاح الفتوح والنجاح»^{۲۹} قاضی زاده در نسخه خطی شماره ۱/ ۶۸۱ کتابخانه دانشکده الهیات دانشگاه تهران موجود است که متأسفانه دستیابی به موارد مذکور، میسر نگشت. لعل الله سبحانه يحدث بعد ذلك أمراً.

اجازه آقا حسین خوانساری به آقا جمال

فقد اتفقت مدارس هذا الشرح للدروس مع ولد[ی] الاعزّ الامجد العالم
الفاضل الكامل الزكي الذكي الالمعي، الفائز بالقدح المعلى من قداح
الفضل والكمال، والحائز قصبات السبق من بين الامثال، الجامع لمكارم
الاخلاق السنية، الحاوی لمحاسن الاعراق البهية، ذي النجابة والمجد و
العناء والسناء - ختم عاقبته بالحسنى و جعل آخرته خيراً من الاولى -
مدارس تبیین و تحقیق، و مباحثة تحقیق و تدقیق، فاجزت له ان يرويه
عني، و كذا سائر ما دارسه معي من الكتب الثقيلة والعقلية (بشرح انشاء
كذا في اجارة مفصلة على حدة) اثر رعاية ما يجب رعايته في هذا
الباب، على نهج الصدق والصواب. ساني ومطافات فرنگي
و التمس من إشفاقه على هذا العبد الضعيف المذنب الخاطئ أن لا ينساني
في الخلوات و مظان إجابة المسؤولات من صالح الدعوات و استغفار
السيئات، التي احتطبتها على ظهري و اكتسبتها طول عمري و لا يحملها
الجمال الجوابي، بل الجبال الرواسي.

کتابه بيده الخاطئة الجانية مؤلف هذا الشرح، الراجي عفوريته، ابن جمال
الدين حسين الخوانساري، اوتيا كتابهما يميناً و حوسبا حساباً يسيراً.

۲۸. فهرست نسخه های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۱۳، ص ۳۳۵۱.

۲۹. فهرست نسخه های خطی دانشکده الهیات تهران، ج ۱، ص ۳۶۱.





اجازة آقا حسين خوانساری به امير ذوالفقار

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي لم يجعل ميراث الانبياء درهماً ولا ديناراً، بل جعله احاديث من احاديثهم واثاراً واورثهم عباده الذين اصطفاهم من بين الناس اختياراً وصيرهم معالم في الارض و مناراً وهم الذين اقتبسوا من مشكاة نبوتهم انواراً، واجتهدوا في اقتفاء سيرتهم ليلاً ونهاراً، وجعلوا الاستنان بسنتهم السنية شعاعاً و دثاراً، ولم يخافوا في اتباع طريقتهم العلية لوماً ولا عاراً.

والصلاة والسلام على سيد رسله، الذي جعل لأجل وجوده السماء دواراً، والارض قراراً، و ارسله إلى كافة الناس عبيداً واحراراً، و فضله على جميعهم صغاراً و كباراً، وآله و اولاده المعصومين الذين ليس للملائكة المقربين أن يدخلوا احداً من دون إجازتهم جنة ولا ناراً، ولا ان يشبوا اعمال الخلايق بدون العرض عليهم ابراراً كانوا ام فجاراً، ما انبت الربيع غشماً و بهاراً وانضج الخريف فواكه و ثماراً، و اقل عيوناً و انهاراً، و أكثر الشتاء ثلوجاً و امطاراً.

وبعد، فيقول المفتقر إلى عفوربه الباري، حسين بن جمال الدين محمد خوانساری، أوتيا كتابهما يميناً، و حوسبا حساباً يسيراً: إنني بعد ما تشرقت برهة من الزمان بصحبة السيد النجيب الحسيب العالم الفاضل الكامل المتوقد الزكى الالمعى اللوذعى، خلاصة الفضلاء و زبدة الاذكياء ذي الفطنة النقادة و الفطرة الواقدة، جامع المعقول و المنقول، حاوي الفروع و الاصول، شمس سماء الافضال و غرة سماء الكمال، سمى سيف الوصي الكرر - عليه صلوات الله الملك الجبار - الامير ذوالفقار، خلاه الله من كل شين و سنا، و حلاه بكل



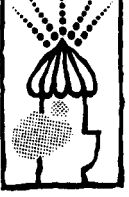
زين وفخار، وأحلّه محل الأبرار، وأوصله مقام الأخيار، وأطال التردّد لديّ، وأكثر الاختلاف عليّ وأخذ منّي طرفاً صالحاً من العلوم الشرعية، وقرأ عليّ شطراً من المعارف الأدبيّة والعقليّة، أخذ إيقان و تحقيق و قراءة تعمق وتدقيق .

التمس منّي أن أجزئ له رواية ما جازت لي روايته من الآثار الماثورة، عن أئمّتنا المعصومين، الماخوذة عن سيّد الأنبياء والمرسلين - صلوات الله عليه وعليهم أجمعين - المتتمية إلى جبرئيل الأمين، المنتهية إلى جناب ربّ العالمين، تعالى شأنه وعظم برهانه وتقدّست أسماءه وتواترت آلاؤه .

فأجزت له ولكن لم أعلم اني اهل لذلك ام لا وأنّ للاجازة اثر أم لا، أن يروي عنّي جميع ما يجوز لي روايته من أحاديث أصحاب العصمة - سلام الله عليهم - سيّما الكتب الأربعة التي عليها المدار في هذه الاعصار وهي «الكافي» و «الفقيه» و «التهذيب» و «الاستبصار»، لأبي جعفرين محمّدين الثلاثة - رضي الله عنهم أجمعين - باسانيدي المتكرّرة إلى مؤلّفيهم إجازة .

منها ما هو عن شيخنا وسيّدنا المولى العالم العامل الفاضل الكامل، زبدة برعة المحدثين وعمدة مهرة المتبعين لآثار سيّد المرسلين، شيخ فضلاء الزمان ومربّي العلماء الأعيان، مولانا محمد تقى - لا زال يسحب الله على رؤوس المؤمنين ذيل رداثه ويمتّعهم إلى يوم الدين بطول بقائه - عن شيخه الأعظم ومولانا المعظم الفاضل العالم الزاهد الورع النقي، المولى عبد الله بن الحسين التستري - اعلى الله مقامه - عن الشيخ الجليل نعمة الله بن أحمد بن محمّد بن خاتون العاملى، عن أبيه الشيخ الحافظ المتقن الشيخ جمال الدين أحمد، عن والده الجليل، شمس الدين محمّد بن خاتون، عن الشيخ الأكمل جمال



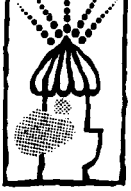


الدين أحمد بن الحاج علي ، عن الشيخ الفاضل الكامل زين الدين جعفر بن الحسام ، عن السيّد الجليل والكامل النبيل حسن بن نجم الدين ، عن شيخ علماء الزمان وأفضل فضلاء الأوان ، السعيد الشهيد محمد بن مكّي -رضي الله عنهم أجمعين .

حيلولة و عن شيخنا الكامل المشار إلى اسمه الشريف المنيف ، عن شيخه المعظم وامامه المكرّم ، شيخ الاسلام والمسلمين وامام الحديث المتقين ، وزبدة العلماء المتفتّنين ، بهاء الملة والحق والدين ، محمد العاملي الهمداني -أفاض الله تعالى مرحامه الشريفة على تربته الزكيّة- عن والده الشيخ الجليل الفاضل الكامل حسين بن الشيخ الفاضل عبد الصمد ، عن الشيخ الأعظم الأعلام الأكرم ، أفضل الفقهاء المتأخرين ، وأكمل العلماء المتبحّرين ، الشيخ السعيد الشهيد زين الدين بن عليّ بن أحمد الشامي العاملي -جزاه الله عن الإيمان والمؤمنين أحسن الجزاء بمحمد وآله الطاهرين- عن الشيخ الجليل ، أفضل المحقّقين وأكمل المدقّقين ، مروّج مذهب الأئمة المعصومين -سلام الله عليهم أجمعين- نورالدين عليّ بن عبدالعالي -قدّس الله نفسه و طهرّ رصمه- عن الشيخ الفاضل العالم السعيد ، ابن عمّ الشهيد شمس الدين محمد بن محمد بن محمد بن داوود ، الشهير بابن المؤدّن الجزيني ، عن الشيخ الفاضل النبيل ضياء الدين علي ، نجل الشيخ الجليل السعيد الشهيد شمس الدين محمد بن مكّي عنه -قدّس الله ارواحهم الطاهرة الزكيّة .

حيلولة و بالاسناد المذكور عن الشيخ شمس الدين بن داوود ، عن الشيخ عزالدين حسن بن العشرة ، عن جمال الاسلام والمسلمين ، الزاهد الورع التقيّ النقيّ أحمد بن فهد ، عن الشيخ زين الدين عليّ بن الخازن الحائري ، عن الشهيد(ره) .

حسين
أبو الطاهر

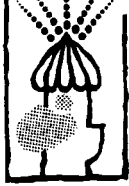


حيلولة و بالاسناد المتقدم إلى الشيخ جمال الدين أحمد، عن الشيخ
الاجلّ الأكمل، نورالدين عليّ بن عبدالعالي، عن الشيخ الأعظم
نورالدين عليّ بن هلال الجزائري، عن الشيخ جمال الدين أحمد بن
فهد، عن الشيخ عليّ بن الخازن الحائري، عن الشهيد(ره).

حيلولة وعن شيخنا المتقدم - دام ظلّه - عن السيّد الجليل الأمير شرف
الدين عليّ بن الحسن الحسيني، عن السيّد الفاضل الكامل الأمير
فيض الله، وعن الشيخ المدقّق المحقّق الشيخ محمد، عن الشيخ
الجليل والفاضل النبيل الشيخ حسن، عن الشيخ المحقّق حسين بن
عبدالصمد، عن الشيخ الأعلم الأفضل، الشيخ زين الدين بن
علي(ره) بأسانيده إلى الشهيد.

حيلولة وعن شيخنا المتقدم، عن الشيخ الزاهد الورع جابر بن عبّاس
النجفي، عن سيّد المحقّقين والمدقّقين السيّد محمد بن السيد علي
العاملي صاحب «المدارك»، عن أبيه، عن الشهيد الثاني بأسانيده إلى





الشهيد(ره)، عن الشيخ الجليل النبيل، فخر المحققين والمدققين أبي طالب محمد، عن أبيه الشيخ الأجل الأعلام، علامة العلماء في العالمين، أسوة الفقهاء المحققين، قدوة العلماء المدققين، حجة الله على الخلق أجمعين، جمال الملة والحق والدين، الحسن ابن الشيخ الفاضل العالم، سديد الدين يوسف بن علي، ابن مطهر الحلبي - قدس الله أرواحهم الطاهرة.

حيلولة وبالاسناد المتقدم إلى الشهيد، عن السيد الجليل الطاهر ذي المجدين، المرتضى عميد الدين عبدالمطلب بن السيد مجد الدين أبي الفوارس، محمد بن علي بن الأعرج الحسيني والسيد العلامة النسابة النقيب، تاج الدين أبي عبدالله محمد بن القاسم، ابن معية الحسيني الديباجي والسيد الجليل العريق الأصيل، أحمد بن أبي إبراهيم محمد بن محمد بن الحسن بن زهرة الحلبي، والسيد الكبير العالم مهنا بن سنان المدني، والشيخ العلامة قطب المحققين و امام المدققين، قطب الملة والدين، محمد بن محمد الرازي، شارح «المطالع» والشيخ العلامة، ملك الأدباء والفضلاء، رضي الدين أبي الحسن علي بن الشيخ جمال الدين أحمد بن يحيى المعروف بالمزيدي، عن الشيخ الأجل العلامة(ره).

وهو يروي عن والده العالم الكامل، الشيخ سديد الدين يوسف وعن الشيخ الفاضل الكامل العامل، أسوة المحققين وملاذ المجتهدين، نجم الدين أبي القاسم جعفر بن الحسن بن يحيى بن الحسن بن سعيد الحلبي، وابن عمه الشيخ نجيب الدين يحيى، ابن أحمد بن يحيى بن الحسن بن سعيد والشيخ مفيد الدين محمد بن جهيم الأسدي الحلبي، والسيد السعيد الزاهدين البديلين، رضي الدين أبي القاسم علي وجمال الدين أبي الفضائل أحمد ابني موسى بن جعفر بن محمد بن



الطاووس الحسني، جميع مصنّفاتهم ومروياتهم وجميع مصنّفات
ومرويات الشيخ العلامة نجيب الدين ابي ابراهيم محمد بن جعفر بن
ابي البقاء هبة الله بن نما الحلّي ومصنّفات ومرويات السيد السعيد،
امام الأدباء والنساب والفقهاء، شمس الدين ابي علي فخار بن معدّ
الموسوي ومصنّفات ومرويات الشيخ العلامة، قدوة المذهب، السيّد
السعيد محيي الدين ابي حامد محمد بن ابي القاسم عبدالله بن عليّ
بن زهرة الحسني الصادق الحلبي.

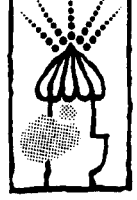
ويروى^{٣٠} عن هؤلاء المشايخ الثلاثة المتأخّرة بالسند المتقدّم، جميع
مصنّفات ومرويات الشيخ المحقّق المدقّق، فخر الدين ابي عبدالله
محمد بن إدريس الحلّي ومصنّفات ومرويات الشيخ السعيد رشيد
الدين ابي جعفر محمد بن عليّ بن شهر آشوب المازندراني
ومصنّفات ومرويات الشيخ الفاضل العالم البذل، ابي الفضل سديد
الدين شادان بن جبرئيل القمي، كلّ ذلك بغير واسطة إلا في الشيخ
نجيب الدين بن نما، فإنّه يروى عن شادان، بواسطة الشيخ السعيد ابي
عبدالله محمد بن جعفر المشهدي.

ويروى عن الشيخ شادان، بالسند المذكور عن ابي القاسم العماد
محمد بن ابي القاسم الطبري، مصنّفات ومرويات الشيخ الفقيه ابي
علي الحسن ابن الشيخ الاجل الأعظم شيخ الطائفة ورئيسهم
ومتقدّمهم وإمامهم، الشيخ ابي جعفر محمد بن الحسن الطوسي
-قدّس الله سرّه القدّوسى.

وعن ابي علي مصنّفات ومرويات والده الجليل النبيل، التي من
جملتها كتاب «تهذيب الاحكام» و«الاستبصار».

وعن الشيخ الجليل ابي جعفر، مصنّفات ومرويات السيّد الاجل

٣٠. «يعنى العلامة»، كذا في هامش الاصل.

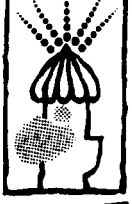


المرتضى علم الهدى (ره) ومصنفات ومرويات أخيه السيد الرضي التي من جملتها كتاب «نهج البلاغة» ومصنفات الشيخ سلار بن عبدالعزيز الديلمي ومصنفات ومرويات الشيخ الجليل، أبي عبدالله الحسين بن عبيدالله الغضائري التي من جملتها كتاب «الرجال» ومصنفات ومرويات الشيخ الأجل، أبي عمرو الكشي، بواسطة الشيخ الجليل هارون بن موسى التلعكبري وجميع مصنفات ومرويات الشيخ السعيد الجليل النبيل الكامل العامل المتبحر النحرير المفيد، محمد بن محمد بن النعمان .

وعن الشيخ المفيد، جميع مصنفات ومرويات الشيخ الأجل العالم الفقيه الصدوق، رئيس المحدثين، أبي جعفر محمد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي، منها كتاب «من لا يحضره الفقيه» و مصنفات ومرويات الشيخ الفقيه، ابن أبي القاسم جعفر بن قولويه .

وعن الصدوق (ره) مصنفات ومرويات والده الجليل، علي بن الحسين وعن ابن قولويه، جميع مصنفات ومرويات الشيخ الأجل الأكمل الأعظم الأفخم الأكرم، ثقة الاسلام والمسلمين، أبي جعفر محمد بن يعقوب الكليني التي من جملتها كتاب «الكافي» وهو خمسون كتاباً بالاسانيد التي فيه لكل حديث متصل بالائمة المعصومين .

فهذه جملة من الاسانيد المتصلة إلى مؤلفي الكتب الاربعة المذكورة فليروها - وفقه الله لما يحبُّ ويرضاه وبلغه إلى ما يتمناه - إجازة عني بهذه الطرق وغيرها مما ذكره الأصحاب في كتبهم وضمّوه إجازاتهم، بل الحق أن أنتساب هذا الكتب الاربعة إلى مؤلفيها متواتر قطعي والظاهر على هذا ان تكون الاجازة للتبرك والتيمّن باتصال السند بأصحاب العصمة والأفليس مما لا بدّ منها، ولعلّ هذه مما يعذرني في الاقدام على الاجازة، مع ما ادّعت سابقاً من عدم العلم باتي أهل



لها م لا ، و بأن لها اثم لا .

و أخذ عليه - أدام الله توفيقه - ما أخذ على من العهد بملازمة تقوى الله سبحانه فإنه وصية الانبياء والاولياء والصلحاء ، و بدوام مراقبته في السر والاعلان والاخذ بالاحتياط التام في جميع الامور ، والتوقف في موضع اللبس والشبهة ، فإن الوقوف عند الشبهات خير من الاقتحام في الهلكات ، و بذل الوسع في تحصيل العلم و تنقيحه و تحقيقه و بذله لاهله ، كل ذلك لا ابتغاء مرضات الله ، والاجتناب من مساخطه من دون رياء أو مرء ، اعاذنا الله وجميع إخواننا المؤمنين منهما .

و التمس منه أن لا ينساني و جميع مشايخي ممن ذكرته أو لم أذكره في الخلوات ومطآن إجابة الدعوات ، و أن يدعو لي و لهم باقالة العثرات ، والتجاوز عن السيئات ، والعفو عن الهفوات .

و كتب هذه الأحرف بيده الجانية ، أحوج المربوبين إلى رحمة ربه الباري ، حسين بن جمال الدين محمد الخوانساري - عفى عنهما - في سابع عشر شهر رمضان المبارك لسنة أربع و ستين بعد الألف من الهجرة المقدسة النبوية المصطفوية ، على مهاجرها ألف ألف سلام و تحية وآله المطهرين من كل رجس و خطيئة . [تمت الاجازة الشريفة] .

اجازة آقا حسين خوانساري به ملا محمد قاسم جيلي

و بعد ، فإن المولى العالم الفاضل العامل الصالح الورع التقى الزكي ، مولانا قاسم الجيلي - زيدت توفيقاته - قد طالما اختلف في طلب العلوم العقلية ، واجتهد في اكتساب المعارف الدينية ، وأخذ من كل منهما حظاً وافراً و قسطاً صالحاً ، ولما كان من داب العلماء و ديدنهم والسنة الجارية بينهم ، أن يحصلوا الإجازة للرواية تيمناً و تبركاً بإيصال



السند، وإن لم يكن محتاجاً إليها في هذه الأعصار، لاشتهار الكتب المتداولة ويقين انتسابها إلى مصنفها، فالتمس منّي أن أجزت له، فأجزت له في الرواية أثر رعاية ما يجب رعايته في هذا الباب ومحافظة شروطها المعهودة بين الأصحاب، ملتماً منه أن لا ينساني من صالح الدعوات في خلال الخلوات ومظان إجابة السؤالات .

وكتبه بيده الجانية، العبد الضعيف المذنب الراجي، حسين الخوانساري، عفى عنه في الدارين ورزق العافية في النشأتين .

اجازة آقا حسين خوانساري به خواجه محمد

لقد سمع المولى الفاضل الصالح الزكي الرضى، مولانا خواجه محمد -وقفه الله لما يحبّ ويرضى- بعضاً من هذا الكتاب المستطاب عند الفقير المذنب حسين الخوانساري، فأجزت له أن يروي عني ما صحّ رواية أخذاً عليه ما أخذ عليّ من الأمور المشتركة في هذا الباب، وأن لا ينساني في الخلوات ومظان إجابة الدعوات .

وكان ذلك في شهر شعبان سنة أربع وستين بعد الألف (١٠٦٤) .

اجازة آقا حسين به سيد محمد باقر بن سيد علي رضا حسيني عاملي (م ١١٢٣ق)

برای روایت «صحيفة سجّاديه»

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله مزين صحيفة الدعاء بزيينة الاستجابة، ومطرز حله بحسن القبول والإجابة، القريب الذي يجب دعوة الداع إذا دعاه، وهو [أحد يستغيث إليه دعوة] ونجاه، لا بل هو أقرب إليه من حبل الوريد، ويعلم ما يهمّ به وما يريد .

والصلوة على سيدنا المدعوّ بداعي الله في الأرض والسماء، المخصوص

حسين
الخوانساري



بخصوص الاصطفاء وعموم الدعاء، وآله
الداعين إلى ملته، الساعين في إعلاء كلمته،
والنصح لأهل دعوته، ما حلت بالدعاء
كواشف دواعي الدهور وانحلت به عقد
مكاره الاعوام والشهور.

وبعد، فإن السيد السند، النجيب الحسيب،
الفاضل الكامل، التقى النقي، الورع المتوقد
الزكي، سالك مسالك الرشاد، ناسك
مناسك التقوى والسداد، السيد محمد باقر
بن السيد المرحوم السيد علي رضا - صانه الله
تعالى عما يوجب الخطاء والخطل ووفقه
لارتقاء اعلى مدارج العلم والعمل - لما اطال

التردد وقرر على طرفاً صالحاً من صحف احاديث اهل البيت وزبر آثار اصحاب
العصمة - صلوات الله عليهم اجمعين - منها هذه «الصحيفة الكاملة» المنسوبة إلى
رابع ثاني الثقلين، مولانا الإمام السجّاد علي بن الحسين - عليهما السلام - قراءة
توضيح و إفصاح و تصحيح و إصلاح، التمس مني الإجازة في روايتها.

فاجزت له - دام فضله - أن يرويها عني بأسانيدي المتصلة إلى آبائه
- أسكنهم الله تعالى في بحايح الجنان وأفاض عليهم شتاييب الرحمة
والرضوان - أخذاً عليه، كما اخذ عليّ أن يرضن بها كل الضنّ عن
الصحفي اللحن، ولا يذلها لمن لا تقطف من رياض احواله زاد
الصلاح والايمان، مستدعياً منه أن يدعو لي في الخلوات ويذكرني
في مظان إجابة الدعوات.

وكتبه الفقير إلى عفو ربّه البارّي، حسين الخوانساري، أعانه الله
تعالى لدينه وآتاه صحيفة اعماله يمينه، إنّه على ما يشاء قدير و

لم ازل اذم

الكثرة تزين مجمل العار بزينه الاستحباب وفضلها على حسن القول والاعانة .
فليس لأمر يجب دعوة الأعداء وادعاءهم ولا لأمر يستشعر البرد ويحتمل طائر ولا
طير أو اسير في جبال الريح ويلم بهم بوابير والصلوة على سيدنا المرفوق
لا يرضها النهار المحصور بصوم الاصطفا ودموع العار والارزاق التي تلتك ببركاته
وانتم هل مودة طاب ليلها كوثف دواعي الور وانتم به عقدها راهم
شهور وبعد فان السند الفرس الفاضل الذي التزم الورع المتواضع
لمدناك اننا دناك سالك تقوى السداد السيد محمد باقر بن السيد المرحوم السيد علي
بن السيد المرحوم السيد علي بن الحسين - عليهما السلام - قراءة
توضيح و إفصاح و تصحيح و إصلاح، التمس مني الإجازة في روايتها.





بالإجابة جدير، و كان ذلك في شهر جميدى الاخرى من شهر سنة
ثمان وثمانين بعد الالف .

دستخط آقا حسين خوانسارى به ميرزا محسن

قد اتفقت مباحثة هذه الحاشية الجليلة الجلالية التي اشتهرت بين
العلماء اشتهار الشمس رابعة النهار، و اسهرت لها في ظلم
الليالي قلوب الطلبة والابصار، مع الولد الاعز الفاضل العالم

الصالح التقي الذكي الزكي الامعي، سلالة
الفضلاء الكرام و اثاره العلماء الفخام، ذي
الذهن القويم والطبع المستقيم، المتوقد الفطن،
ميرزا محسن، لازال موقفا لما يحبه و يرضاه
في الدارين و مبلغاً أقصى ما يتمناه في
النشأتين، مباحثة بحث و تدقيق و كشف
و تحقيق قد كشفت غطاء الخفاء عن وجوه
مخدرات افكارها و رفعت نقاب الحجاب عن
وجنات خرائد ابكارها، وكأنه كاد ان لم يبق
شيء مما اوردوا فيه من الشبهات قديمتها
وجديدها إلا وقد جدت عهداً بالاضمحلال و
اوشك ان لا يوجد امر مما وجهوا عليه من
المشكلات عتيقها وحديثها، إلا و قد عقد عقداً
مع الانحلال فصار له - طال عمره و دام توفيقه
- حزنٌها سهلاً، و اجانبها أهلاً و صعابها ذلولاً

شده تقيت سابقه منزهة عن شبهة كبر السهم
العلماء من رابع النهار و اسهرت لها في ظلم
الليالي قلوب الطلبة والابصار، مع الولد الاعز الفاضل العالم
الفاضل التقي الذكي الزكي الامعي، سلالة
الفضلاء الكرام و اثاره العلماء الفخام، ذي
الذهن القويم والطبع المستقيم، المتوقد الفطن،
ميرزا محسن، لازال موقفا لما يحبه و يرضاه
في الدارين و مبلغاً أقصى ما يتمناه في
النشأتين، مباحثة بحث و تدقيق و كشف
و تحقيق قد كشفت غطاء الخفاء عن وجوه
مخدرات افكارها و رفعت نقاب الحجاب عن
وجنات خرائد ابكارها، وكأنه كاد ان لم يبق
شيء مما اوردوا فيه من الشبهات قديمتها
وجديدها إلا وقد جدت عهداً بالاضمحلال و
اوشك ان لا يوجد امر مما وجهوا عليه من
المشكلات عتيقها وحديثها، إلا و قد عقد عقداً
مع الانحلال فصار له - طال عمره و دام توفيقه
- حزنٌها سهلاً، و اجانبها أهلاً و صعابها ذلولاً

حسين
خوانسار

و ابيها قبولاً و أكلها هنيئاً و ثمارها جنياً، والمرجو أن يسعده بها في
استنباط دقائق المعارف الدينية، وأن يجعلها وسيلة له للارتقاء على



مدارج العوارف اليقينيّة، ثمّ المأمول منه - يسرّ له ما أمل - أن لا ينساني في الخلوات ومطآن إجابة الدعوات، لعلّ به وبأمثاله يغفر لي الزلات ويُعفى عن الهفوات ويقال منّي العثرات .

وكتب هذه الأحرف بيده الجانية الفانية، العبد المذنب الراجي ابن جمال الدين حسين الخوانساري، أوتيا كتابهما يميناً وحوسبا حساباً يسيراً ويرحم [الله] عبداً قال آميناً .

اجازة آقا حسين خوانساري به شيخ حرّ عاملي

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي منّ على العباد بارشادهم إلى طريق الهداية، وأنعم عليهم بايضاح سبيل الدراية، لا يبلغ نحو جنبه يد الصفة ولا يعرف كمال ذاته حقّ المعرفة، تعالي شأنه عن أن يدرك بشبه ومثال، وعظم برهانه من أن يحاط بقياس واستدلال، أفاض شثاييب النعمة على العالمين حكمة بالغة بهم إلى الاذعان بربوبيّته وأجزل ينابيع الحكم في قلوب العالمين نعمة سابغة تقيهم بأس الأوهام في طريق عبوديّته، تواترت آلاؤه وتظاهرت نعمائوه وتسابعت آياته وتظافرت بيناته، أبان بنعمة العلم درجات السعداء من دركات الأشقياء وفضّل مداد العلماء على دماء الشهداء، نحمده على ما هدانا إلى معرفته ونشكره على ما أوضح سبل طاعته، ونشهد أن لا إله إلا الله ونشهد أنّ محمداً -صلى الله عليه وآله- رسوله، أرسله بالهدى وابتعثه رحمة للورى لينجيهم من جهل احكام الدين ويخرجهم من ظلمات الشك إلى نور اليقين مزيحاً مآل النفوس السقيمة، ناسخاً للملل القديمة، هادياً بالذكر المحدث والكتاب الحكيم إلى الدين القويم والصراط المستقيم، أذعن بدينه من استصحاب الفطرة الأصيلة، وأجمع طاعته على من لم





يرجح استحسان الهوى على المنافع العقلية، فقام بالموافقة حتى
اتّضح سبيل الهدى و اوضح مصالح الورى، فصلّى الله عليه وآله
الهداة المعصومين والحجج الهادين، المبيّنين للحلال والحرام،
والموضّحين سبل الخاص والعام، الذين من ظمأ كبده في طلب
رؤيتهم، روى من الكأس الأوفى، ومن قدح ربتهم في طاعتهم فاز
بالقدح المعلّى، سيّما أمير المؤمنين و سيّد الوصيّين، الذى بولايته تمّت
النعمة و اكمل الدين، و بهدايته تبين مسالك الرشاد ومدارك اليقين،
صلوة دائمة ما تفرّع النتائج على المقدمات و اتضح المتشابهات من
المحكّمات .

فلا يشك أولو النهى ولا يرتاب ذو الحجى في فضل العلوم و رفعتها
و علوّ درجاتها و رتبها، و قد وضع لمن في العين وضوح المسح لذى
عينين افاضة نورها في الخافقين و اضاءة شمسها في الأنفس
و الآفاق، و زيادة بدرها على الشمس في الإشراق و افاقة درجاتها
على نجوم السماء و شراف [] دائرتها شرفاً قطاً من دونها الجوزاء [؟]
و بالجملة قد اغنت بدهاة الاذهان عن التبيان و كفت العيان من
البيان، هو الصبح لا يدعى إلى الصبح شاهد، هو الشمس لا يبغي
على الشمس برهان إلا أنّها متباينة الأظهار، متخالفة الأخطاء،
مختلفة المراتب، متفاضل بعضها على بعض تفاضل الشمس على
الكواكب بل متفاوتة .

وإنّ من أصحّها و أقربها و أحسنها و أبهاها و أرفعها سنداً و أوقعها
مقعداً علم الحديث الذى يعرف الحلال و الحرام، و يميز بين الفرائض
و الآثام و يستنبط تفاصيل الأحكام و ما يحتاج إليه الأنام، من تزين
بمحاسنه جاز خصال الفخر و من روى من عيوننه فإنّه يشرح الصدر و
من أداب نفسه في تهذيبه، فهو الفقيه المهتدى إلى طريق مدينة العلم



ومن حذق نظرة في تصحيحه، فهو النبيه الفائز باستبحار كاف في الحلم، فطوبى لمن خاض اللّجج لتحصيل درّه المنشور أيام دهره وحشى بين يديه رقه المنشور ليالى عمره، فهو الحرّ في الدارين والسعيد في النشأتين .

ولقد سعد جدّ الفاضل والمولى الكامل الذكي الامعي، والزكي اللودعي، ذي الفهم الشاقب والذهن الصائب، قدوة ابناء الدهر، زبدة اخوان العصر، الشيخ المؤيد المشيد والشيخ المؤيد المسدد، الشيخ محمّد الحرّ العاملي - لازالت عواقب امره محموده وكواكب دهره مسعوده - حيث أنفق أيام عمره في نقد الاحاديث وملاحظتها وصرف خلاصة عمره في تلخيص الاخبار ومطالعتها .

وقد استجاز منّي، فأجزت له ان يروي عني مسموعاتي ومقرواتي و مؤلفاتي وما جازت لي روايته باسانيدي المتصلة إلى أهل الذكر - صلوات الله عليهم أجمعين .

والتمس منه إجرائي على صحيفة خاطره عند تلاوة الكتاب وإقامة الصلوات، وان لا ينساني حين مراقبته في الخلوات ومطاب الأجابات ولندكر هيهنا طرقاتاً من أسانيدي المتصلة إلى شيخ الطائفة الحقّة و رئيس الفرقة المحقّة، أبي جعفر محمّد بن الحسن الطوسي - قدس الله سرّه العزيز القدوسي - ولنكتف به، فإن أسانيده إلى أصحاب العصمة - صلوات الله عليهم أجمعين - مشهورة معروفة .

فقد أخبرني اجازة بجميع رواياته، الشيخ الفاضل الكامل العابد الورع، مولينا محمد تقي المجلسي - اعلى الله مقامه - عن الشيخ العالم المحقق المدقق الثقة التقي النقي، المولى عبد الله بن الحسين التستري - طاب ثراه - عن الشيخ الجليل والفاضل النبيل، نعمة الله بن أحمد بن محمد بن خاتون العاملي، عن أبيه الشيخ الحافظ المتقي،



الشیخ شمس الدین محمد بن المؤذن الجزینی، عن الشیخ ضیاء الدین علی بن شیخنا الشہید، عن والده الأجل - قدس الله سره - عن الشیخ فخر المحققین، أبی طالب محمد بن الشیخ الأعظم الأفخم، الامام العلامة، جمال الملة والدين، الحسن بن يوسف بن مطهر، عن والده العلامة - رضی الله عنه - عن الشیخ المحقق السعید، نجم الملة والدين، أبی القاسم جعفر بن الحسن بن یحیی بن سعید - قدس سره - عن السید الجلیل، شمس فخار بن معد الموسوی، عن الشیخ الامام أبی الفضل شاذان بن جبرئیل القمی، عن الشیخ الفقیه العماد بن أبی جعفر محمد بن أبی القاسم الطبری، عن الشیخ أبی علی الحسن بن الشیخ الامام شیخ الطائفة، عن والده - جزاه الله عن الايمان والمؤمنين احسن الجزاء، بمحمد وآله الطاهرين المعصومين .

وكتب الفقير إلى عفو ربه الباري، حسين بن جمال الدين محمد الخوانساري، أوتيا كتابهما يميناً وحوسبا حساباً يسيراً .

وكان ذلك في سنة احدى وتسعين بعد الالف .

بخش دوم: آقا جمال خوانساری

اساتید و مشایخ اجازة آقا جمال خوانساری

جمال الدین محمد بن حسین خوانساری (م ۱۱۲۵ق)،^{۳۱} محدث، حکیم و فقیه شیعی قرن دوازدهم هجری، نزد پدرش آقا حسین محقق خوانساری، ملاً محمد باقر سبزواری و ملاً محمد تقی مجلسی درس خواند و سپس به تدریس معقول و منقول پرداخت و از علمای طراز اول و مدرسان برجسته اصفهان بود و ریاست حوزه علمیه اصفهان را به عهده داشت .

۳۱. درباره تاریخ وفات آقا جمال، اقوال مختلفی است، از جمله سالهای ۱۱۲۱، ۱۱۲۲ و ۱۱۲۵ق، گفته شده است .





آقا جمال، آثار سودمندی در علوم حدیث از خود به جای گذاشت، از جمله «ترجمه مفتاح الفلاح» و «ترجمه و شرح غرر الحکم».

وی از پدرش اجازه روایت داشته؛^{۳۲} همچنین گفته شده که از ملاً محمد تقی مجلسی اجازه نقل حدیث دریافت کرده است؛^{۳۳} بلکه روایت آقا جمال از علامه محمد باقر مجلسی نیز ادعا شده است.^{۳۴}

شاگردان و اجازه گیرندگان از آقا جمال خوانساری

چنانکه گفته شد، آقا جمال در زمان خود ریاست حوزه تدریس اصفهان را به عهده داشت و از مدرّسان طراز اوّل شمرده می شد. بنابراین، شاگردان بسیاری را تربیت کرده است. از جمله شاگردان وی، این دانشمندان را می توان نام برد:

۱- میر محمد ابراهیم بن محمد معصوم حسینی قزوینی (م ۱۱۴۹ق). قزوینی در

«تمیم امل الآمل»، او را از جمله اساتید خود معرفی کرده و گفته است:

له حاشیة علی کتاب «آیات الاحکام» للعلامة الاردبیلی مبسوطه جدّاً،

عرض قطعة منها علی أستاذة العلامة جمال [الدین] محمد الخوانساری

-رحمه الله- فاستحسنها وكتب علی ظهرها ما يتضمّن من مدح المؤلف

والمؤلف...^{۳۵}

نام کتاب حسینی قزوینی «تحصیل الاطمینان فی تحصیل مطالب زیادة البیان» است و

آقا جمال، تقریظ مذکور را در جمادی الثانی سال ۱۱۱۷ق، برای وی نگاشته است.

نسخه ای از این کتاب، در کتابخانه میر حسینی قزوینی موجود است.^{۳۶}

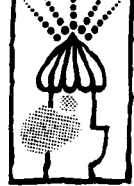
۳۲. روضات الجنات (چاپ سنگی)، ص ۱۵۶ و ۱۹۵.

۳۳. قصص العلماء، ص ۲۶۵؛ لؤلؤة البحرين، ص ۹۰. در اینکه آقا جمال بلاواسطه از ملاً محمد تقی مجلسی روایت کرده باشد، تردید است.

۳۴. روضات الجنات (چاپ سنگی)، ص ۱۲۵.

۳۵. تمیم امل الآمل، ص ۵۳ و ۵۴؛ طبقات اعلام الشیعة (قرن ۱۲)، ص ۱۵؛ الذریعة، ج ۳، ص ۳۹۶.

۳۶. نشریه نسخه های خطی، دفتر ششم، ص ۳۳۸.



۲- ملا محمد رفیع بن فرخ جیلانی مشهدی، معروف به ملا رفیعا (م. پس از ۱۱۰۶ق). وی از اساتید اجازه شیخ یوسف بحرانی (صاحب «حدائق») بوده و خود از علامه مجلسی و شیخ جعفر قاضی و آقا جمال خوانساری اجازه روایت گرفته است. کتاب «شواهد الاسلام» (حاشیه بر «کافی») از تألیفات اوست. ۳۷

۳- ملا محمد تقی بن علینقی طبسی. وی مترجم کتاب شریف «مهج الدعوات» است که آن را در سال ۱۱۱۷ق، به دستور سلطان حسین صفوی به انجام رسانیده^{۳۸} و نسخه ای از آن، در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است. ۳۹ قزوینی او را از شاگردان آقا جمال دانسته است. ۴۰

۴- محمد اکمل بهبهانی. پدر عالم شهیر، وحید بهبهانی است. وی را از شاگردان آقا جمال دانسته اند و گفته شده از او اجازه روایت داشته است. ۴۱ چنانکه محمد هاشم موسوی خوانساری، در ابتدای «اربعین» در ذکر سند خود آورده است:

... عن المولى البهبهاني (ره) بالأسانيد السالفة، عن والده مولانا محمد اکمل، عن شيخه الأعظم، رئيس المحققين وقدوة المدققين وشمس الفقهاء والمجتهدين، جمال الدين محمد... ۴۲

و در اجازه ای که سید اسدالله موسوی، فرزند حجة الاسلام سید محمد باقر شفتی، برای ابن داوود همدانی صادر کرده، نوشته است:

... مولينا الآقا محمد باقر البهبهاني، عن أبيه الاكمل والحبر الافضل، محمد اکمل، عن شمس فلك الفضل والافضال و بدر سماء الكمال

۳۷. تتمیم امل الاكمل، ص ۱۵۹-۱۶۲؛ نؤلوة البحرین، ص ۹۰-۹۱؛ الذریعة، ج ۶، ص ۱۸۲؛ فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیه الله مرعشی، ج ۴، ص ۳۸۵، ش ۵۷۹.

۳۸. الذریعة، ج ۴، ص ۱۴۰.

۳۹. فهرست نسخه های خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، ج ۱۵، ص ۱۶۵.

۴۰. تتمیم امل الاكمل، ص ۸۶ و ۸۷.

۴۱. وحید بهبهانی، علی دوانی، ص ۱۰۸؛ روضات الجنات (چاپ سنگی)، ص ۱۲۵.

۴۲. الاربعین (نسخه خطی)، محمد هاشم موسوی خوانساری چهار سومی.





محمد، المدعو بآقا جمال، عن ابیه الغائص علی لآلی الحکمة بحرهما

الجارى، العالم النحریر، الآقا حسین الخوانساری ... ۴۳

تنها سند دالّ بر اجازه محمد اکمل از آقا جمال، حدسی است که وحید بهبهانی در این باره مطرح کرده است.

۵- میر محمد حسین بن محمد صالح خاتون آبادی (م ۱۵۱ ق).^{۴۴} نام پدر او، در شمار شاگردان آقا حسین خوانساری آمده است. میر محمد حسین، از جدّ مادری خود - علامه مجلسی - و پدرش میر محمد صالح، اجازه روایت داشته است و بنا به تصریح خود، در «مناقب الفضلاء» - که اجازه مفصلّ اوست به شیخ زین الدین خوانساری - از آقا جمال اجازه روایت دریافت نموده است. در «مناقب الفضلاء» آمده است:

ومنها ما اخبرني اجازة الفاضل الكامل، والعالم العامل النحریر المحقّق المدقّق، علامة الزمان وفهامة الدوران، استاد الفضلاء ورئيس العلماء، زبدة اعظام المحققين وتحمية افاخم المدققين، اكمل المتبحرين و افضل المتأخرين ... جمال الملة والحق والدين، محمد، عن والده العلامة ... آقا حسین الخوانساری ... عن والد جدي التقي المتقي، المولى محمد تقي ... ۴۵

۶- ملا محمد حسین مازندرانی. وی کتب حدیثی را در نزد آقا جمال فرا گرفته و استاد، اجازه نسبتاً مفصلّی برای او صادر کرده است. تاریخ این اجازه، ذی الحجه ۱۰۸۹ ق، است. نسخه ای رونویسی شده از آن، به خطّ نصرالله بن احمد نراقی، در کتابخانه دانشگاه تهران به شماره ۳۸۹۴ موجود است.^{۴۶}

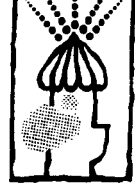
علامه تهرانی، در «الذریعة» (ج ۱، ص ۱۸۸) و «طبقات اعلام الشيعة» (قرن ۱۲،

۴۳. الشجرة المورقة (نسخه خطی)، ابن داوود همدانی.

۴۴. طبقات اعلام الشيعة (قرن ۱۲)، ص ۱۹۸-۲۰۰.

۴۵. مناقب الفضلاء (نسخه خطی).

۴۶. فهرست نسخه های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۱۲، ص ۲۸۸۱.



ص ۲۲۱)، محمد حسین مازندرانی را مُجاز از آقا حسین خوانساری دانسته و به همین اجازه استناد کرده است؛ ولی در ابتدای نسخه و در متن اجازه، تصریح شده که این اجازه از آقا جمال خوانساری است. متن این اجازه، با استفاده از نسخه دانشگاه تهران خواهد آمد.

۷- کمال الدین محمد بن معین الدین محمد فسوی فارسی (معروف به میرزا کمالای اصفهانی).

۸- سید صدرالدین قمی (م ۱۶۵ق)، شارح «وافیه الاصول».

ذکر این نکته ضروری است که در کتاب ارزشمند «دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی»، در ضمن معرفی آقا جمال خوانساری آمده است: «مقدّس اردبیلی و شیخ یوسف بحرانی، او را ستوده و از مشایخ روایت خود دانسته اند»^{۴۷} حال آنکه تاریخ وفات مقدّس اردبیلی ۹۹۳ق، است و آقا جمال در ۱۲۵ق، از دنیا رفته است. آنکه با آقا جمال معاصر بوده و او را ستوده، محمد بن علی اردبیلی، صاحب «جامع الرواة» است.^{۴۸} دیگر آنکه شیخ یوسف بحرانی، از محمد رفیع جیلانی اجازه داشته و جیلانی از آقا جمال اجازه دریافت کرده است.^{۴۹}

اجازه آقا جمال به ملا محمد حسین مازندرانی

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين

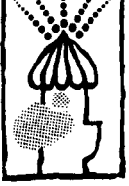
اللهم يا ذا اللطف والكمال والقهر والجلال، نحمدك على ما نصبت العقل لمعرفة توحيدك حجة ودليلاً، وعقلت به الشك، فلم يجد في معارف ذاتك وصفاتك مدخلاً وسبيلاً، فعلت ما فعلت بالعدل ولم تتخذ شريكاً أو عديلاً ووجدت على من أوجدت عدواً

۴۷. دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، به کوشش بهاء الدین خرمشاهی، ج ۱، ص ۴۲.

۴۸. جامع الرواة، ج ۱، ص ۱۶۴-۱۶۵.

۴۹. لؤلؤة البحرين، ص ۹۰.





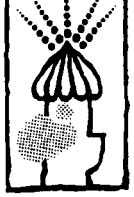
وخليلاً، وقفت عن البلوغ إلى كنه معرفتك أفكار العقلاء والذين بلغوا المنتهى في أحكام المعقول والمنقول، وإن من شيء إلا يسبح بحمذك حقيراً أو جليلاً وحيرت دون الوصول إلى ساحة كبرياتك أفكار العلماء الذين بذلوا نهاية الجهد في تهذيب الفروع والأصول، فسبحانك بكرة وأصيلاً، وأصلي على حبيبك وخليلك صدر الرسل ومصدر رسالة الكل، المحمّد في السموات، الأمين على الرسالات، الرفيع المقام، الشفيع في المواقف، الباقر للعلوم، الكاشف عن المعارف، البشير للصالحين، النذير للطالحين، الرسول الأمي، فتح به باب الإنشاء وختم رسالته الدعاء واتى بفضل القرآن وتاليه وأنهما الثقلان، المتصل ثنائه وإن يرتل ويرسل بمقدحهما ترتيباً وترسيلاً والنبي الهاشمي الذي رفع بنصره لواء الإيمان وكسر بورة أحزاب الكفر والطغيان، ورجّح على النبيين وفضل على المرسلين ترجيحاً وتفضيلاً، وآله الأطهار وأهل بيته الأخيار الذين يشهد لولايتهم القلم واللوح والملائكة والروح، وأنما مثلهم كمثّل سفينة نوح والذين أذهبت عنهم الرجس وطهرتهم بما يدنّس ويرين وأتمت بهم النعمة، وأكملت الدين تميمياً وتكميلاً وخفضت الذين نصبوا لهم ونصبت الذين رفضوهم وتبعتهم وبال أمرهم وأخذها أخذاً ويلاً، فما أسعد أولياتهم المتقين إذا اتاهم اليقين إلى أن يشاهدوا ما شهدوا به من أهوال يوم الدين وحين ما مضوا إلى الجنة مسلمين واستقبلهم الملائكة مسلمين وسارعت إلى خدمتهم خدّمتهم من الغلمان والحوار تعظيماً وتجيلاً، وما أشقى أعدائهم الناصبين وأحقرهم إذ خابوا حين ما انتبهوا في حفرهم، وعشروا على ما عشروا وخسروا فيما خسروا وحسروا إذا حسروا واستقالوا بما قالوا فلن يقالوا



حاروا بالخور حوراً و رجعوا مذموماً مدحوراً و سبقوا إلى ما سبقوا إليه تنديماً و تنكيلاً حمداً و صلاة يجزيهما صلوات ربنا الشكور التي لا انقطاع لهما ولا تبدل تديلاً ولا تحوّل تحويلاً، و نعم بهما إلى من كان في الجنة يطوف عليهم الولدان و الخور، و يسقون فيها كأساً كان مزاجها زنجبيلاً عيناً فيها يسمى سلسبيلاً .

و بعد، فإنّ هذا الكتاب المستطاب الذي هو الكافي في تهذيب مدارك الاصول و الفروع لمن أراد الاستبصار و الشافي لداء الجهل الوافي بازاعة الشك عن اولى البصائر و الابصار، من لا يحضره الفقيه فليرجعوا اليه بعيون الاعتبار و من رام اكمال الدين و تمام النعمة، فينظروا اليه بمحاسن الأنظار؛ قد قرأه عليّ المولى الفاضل، الكامل التقي النقي الزكي الالمعي الصارف همته نحو البحث، عن معاني الاخبار و بيان بدائع سرائر الآثار، بعد بذل الجهد في تحقيق المبادي و تشييد المباني، مولانا محمد حسين مازندراني - وفقه الله لما يحب و يرضاه و بلغه غاية ما يامله و يتمناه - قراءة بحث و تحقيق و كشف و تدقيق قد غاص فيها على ما لا عين رأت ولا اذن سمعت من غوالي اللئالي و متمقى الجمال و كشف قناع السر، عن ابيكار معان لم يطمئن انس قبلهم ولا جان .

وقد اجزت له، وفقه الله، ان يرويه عني لمن وجدته اهلاً و ان ينقل سائر ما سمعه مني من الزبر العقلية و النقلية صعباً او سهلاً و كذا باقي ما وقفت روايته و وقفت لقراءته او اخبرني نقله و روايته [؟] اخذاً عليه ما اخذ على من الشروط و الرعايات و ان لا ينساني في الخلوات و مظان اجابة الدعوات، عسى الله ان يغفر لي [] الزلات و الآثام، و يتجاوز عن الهفوات العظام، انه على كل شيء قدير و بالاجابة لرجاء الراجين جدير .



وكتب الفقير إلى عفو ربه الأبهي، ابن حسين جمال خوانساري، جعلهما الله من أحرَم بخلوص النية للمقام بحرم رضاه طول عمره، وطاف وسعى بصفاء الطوية لما يحبُّه ويرضاه، ما تمتع بدهره ويكفر عنهما ما وقف عليه من الزلل والخطأ في القول والعمل أو أضمره و إن لم يقولوا، أنه الواقف على المشاعر وما أضمرت من المنى، العالم بالضمائر وما استتر بها.

وكان ذلك في شهر ذي حجة الحرام من شهور سنة تسع وثمانين بعد الألف من الهجرة النبوية على هاجرها ألف صلاة وتحية.

من جملة وصايا رسول الله (ص) لعلّي: يا علي! أو صيك بوصية، فأحفظها فإنك لا يزال بخير ما حفظت وصيتي؛ يا علي! لا فقر أشد من الجهل، ولا مال أجود من العقل، ولا وحشة أوحش من العجب، ولا مظاهرة أوثق من المشاوره، ولا إيمان كاليقين، ولا حسب كحسن الخلق، ولا عبادة كالتفكير؛ يا علي! إن لكل شيء آفة وآفة الحديث الكذب، وآفة العلم النسيان، وآفة السّماحة المن، وآفة الحسب الفخر، وآفة الدين الهوى؛ يا علي! استكثر من قراءة الياسين. تمت.

پرتال جامع علوم و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
کتابخانه دیجیتال مجلس شورای اسلامی
مجله علمی پژوهشی خوارزمی



دستخط مرحوم آقا جمال الدین خوانساری سجع شهره:
«یا من له انعمّ والجمال ١٠٧١٠٧ظ»

حسن
خوانساری